

نقش اضطراب و روابط موضوعی مادران در پیش بینی اضطراب جدایی کودکان دبستانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۳

خلاصه

مقدمه: اختلال اضطراب جدایی یکی از رایج ترین اختلالات روانی در بین کودکان و نوجوانان است و آثار زیان باری بر رشد و عملکرد کودکان دارد. هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی نقش اضطراب و روابط موضوعی مادران در پیش بینی اضطراب جدایی کودکان دبستانی بود.

روش کار: روش پژوهش توصیفی - همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان پایه اول ابتدایی شهر قم در سال ۱۴۰۰ بود. تعداد ۳۷۸ نمونه به روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شدند. ابزارهای به کار گرفته شده شامل مقیاس سنجش اضطراب جدایی (نسخه والد و کودک) هان و همکاران (۲۰۰۳)، پرسشنامه اضطراب بک (۱۹۹۰) و مقیاس روابط موضوعی بل (۱۹۹۵) بودند. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه و با نسخه ۲۶ نرم افزار SPSS استفاده شد.

نتایج: یافته ها نشان داد که حدود ۱۳/۶ درصد واریانس اضطراب جدایی کودکان توسط اضطراب مادران و زیرمقیاس های روابط موضوعی مادران (دلبستگی ناایمن، بیگانگی، بی کفایتی اجتماعی و خود میان بینی) پیش بینی می شود. اضطراب مادران رابطه مثبت و معناداری با اضطراب جدایی کودکان دارد. دلبستگی ناایمن، بیگانگی، بی کفایتی اجتماعی و خود میان بینی رابطه مثبت و معناداری با اضطراب جدایی کودکان دارند. از بین متغیرهای پژوهش، بیگانگی در پیش بینی اضطراب جدایی کودکان در رتبه اول قرار دارد.

نتیجه گیری: نتایج این پژوهش بر اهمیت توجه به نقش اضطراب و روابط موضوعی مادران در ارزیابی وضعیت کودکان، به ویژه در موقعیت های بالینی و ضرورت طراحی و استفاده از نيمرخ درمانی توسط متخصصان بالینی کودک تأکید داشتند.

کلمات کلیدی: اضطراب، روابط موضوعی، اضطراب جدایی، مادران، کودکان دبستانی.

بی نوشت: این مطالعه فاقد تضاد منافع می باشد.

سمانه عباسی^۱
اعظم زارع^{۲*}

^۱کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

^۲استادیار، گروه روانشناسی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران. (نویسنده مسئول)

نویسنده مسئول: دکتر اعظم زارع، استادیار، گروه روانشناسی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

Email: z.zare33@yahoo.com

مقدمه

اختلال اضطراب جدایی^۱ یکی از رایج‌ترین اختلالات روانی در بین کودکان و نوجوانان است و علائم مکرر گزارش شده آن پریشانی مربوط به جدایی، اجتناب از تنها ماندن یا بدون بزرگسال بودن در هر مکانی و پریشانی هنگام خواب دور از مراقبان یا خانه است. این اختلال از ۸ سالگی آغاز می‌شود و ممکن است تا اواسط کودکی یا نوجوانی ادامه یابد و می‌تواند هم برای کودکان و هم برای مراقبان از جمله نگرانی بی دلیل، مشکلات خواب، استرس در محیط‌های اجتماعی و آموزشی و انواع علائم جسمی که کیفیت زندگی را پایین می‌آورد را به همراه داشته باشد (هو، سای، تو، گوو و لئو^۲، ۲۰۲۰). در حالت ایده آل، اضطراب جدایی کودکان از دورانی که کودک نوپای است تا پیش دبستانی دوام می‌آورد (آدیلاخ و سامانتری^۳، ۲۰۱۶). کودکانی که علائم اضطراب جدایی دارند، پرخاشگری یا عصبانیت نسبت به والدینشان یا هر شرایطی که باعث شود آنها از والدین خود جدا شوند نشان می‌دهند (آستوتی، هارتونو و سوناوان^۴، ۲۰۲۰). رابطه با مادر برای دستیابی به رشد روانشناختی ضروری است. به همین ترتیب، نوزادان در دنیایی که متولد می‌شوند و در حالی که با محیط روانی، عاطفی و اکولوژیکی والدین خود ارتباط برقرار می‌کنند، می‌خوابند و به تدریج به عنوان یک شخص رشد می‌کنند. بنابراین والدین کودک هستند که تأثیر بسزایی در رشد، سازگاری و رفتار ناسازگاری کودکان دارند و باعث مشکلات عاطفی و رفتاری در کودکان می‌شوند (لیم و بون^۵، ۲۰۱۹). در ارتباط با علل و عوامل اثرگذار بر اختلال اضطراب جدایی، برخی از صاحب‌نظران معتقد هستند که خانواده و به خصوص سلامت روانی مادر یکی از عوامل مهمی است که باید مورد مطالعه قرار

گیرد (گرازانی، اورناقی و کراگنولا^۶، ۲۰۱۵). در همین راستا پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بین سبک‌های دلبستگی^۷ (مروتی، ۱۴۰۰؛ پیرزاده، ۱۳۹۹؛ آستوتی، هارتونو و سوناوان^۸؛ مایلیا، دی ریسو، لیس و بابیو^۹، ۲۰۱۹)؛ عملکرد خانواده^{۱۰} و راهبردهای مقابله‌ای^{۱۱} (عرب، علیمردانی، کشیری دینکی و معافی، ۱۳۹۸)؛ هوش هیجانی^{۱۲}، تاب آوری^{۱۳} و مثبت اندیشی مادران^{۱۴} (یگانه دارابی و حافظیان، ۱۳۹۷) و اضطراب^{۱۵} مادر (اورگیلز، پنوسا، مورالز، فرناندز-ماتینز و اسپادا^{۱۶}، ۲۰۱۸) با اضطراب جدایی رابطه وجود دارد.

از طرفی تقریباً ۲۰ تا ۳۰ درصد از زنان در کشورهای با درآمد کم و متوسط و ۱۰ درصد از زنان در کشورهای با درآمد بالا، در دوران بارداری یا در دوره پس از زایمان دچار یک بیماری روانی مانند اضطراب یا افسردگی هستند (راسین، دیوریوکس، کوک، ایریچ، ژو و مادیگان^{۱۷}، ۲۰۲۱). اضطراب یک حالت پاتولوژیک است که با نامناسب یا نامطلوب مشخص می‌شود و یک دلهره یا ترس بیش از حد است، که می‌تواند تعمیم یافته یا وابسته به شرایط خاص باشد و ممکن است همراه با علائم جسمی باشد (مارتینا^{۱۸}، ۲۰۲۰). یک مطالعه شیوع اخیر در بریتانیا نشان داد که اضطراب و افسردگی شایع‌ترین بیماری‌های روانی مادران هستند و ۵۳ درصد از کودکان در معرض خطر قرار گرفتن در معرض بیماری روانی مادری قبل از سن ۱۶ سالگی هستند (آبل، هاپ، سوئفت، پارسی، آشکرافت، کاسیدو^{۱۹} و همکاران، ۲۰۱۹). همچنین مشکلات سلامت روان مادر با افزایش خطر ابتلا به سلامت ضعیف کودک مرتبط است (سزیکلی، نیومن، سالیس، جولیکوئر-مارتینو، ورهانس، میانی^{۲۰} و همکاران، ۲۰۲۱). همچنین کیفیت مراقبت دهی، شکل گرفته توسط مدل دلبستگی والدین، رفتار والدین

دیگران) (رینکینز، جالاس و شاو، ۲۰۱۵). از دید وینی کات^۴، مبنای رشد سالم پیشروی ایگو از وابستگی مطلع (به مادر) به سوی استقلال است. وینی کات بیان می‌کند که اگر مادر نتواند خود را با نیازهای کودک هماهنگ کند و محیط ناکام‌کننده یا ارضای افراطی فراهم سازد، کودک قادر نخواهد بود تا رابطه بین خود و مادر خوب را درونی کند و به استقلال برسد. این کودکان در بزرگسالی به طور مداوم به دنبال موضوع‌هایی هستند که بتوانند از طریق آنها، دلبستگی ای را که از آن محروم شده‌اند، دوباره به دست آورند. در واقع، دیگران برای این افراد نقش موضوع‌های گذاری را دارند که اضطراب فقدان موضوع را در آن‌ها تسکین می‌دهند (شفق دوست و شهامت ده سرخ، ۱۳۹۸). کودک از طریق تعامل با افراد حقیقی که در محیط اطرافش حضور دارند رشد می‌کند و از این رهگذر کیفیت روابط موضوعی و مجموعه‌ای از مکانیزم‌های دفاعی و توانمندی‌ها در کودک شکل می‌گیرد و بر نحوه‌ی پیش‌بینی افراد بزرگسال از رویدادهای بین فردی محیط و برداشتی که آنها از این رویدادها دارند تأثیر می‌گذارد. ماهیت این روابط موضوعی و کیفیت تحولی مکانیزم‌های دفاعی در واقع ساختار شخصیتی و مدیریت سیستم روانی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین کودک بایستی برای تحمل اضطراب و مشکلات روزمره راه و روش‌هایی داشته باشد تا در کنار فشارهای روانی ارزشمند واقع شوند و بتوانند رویدادها را تحت کنترل خود درآورند (احمدی، سرافراز و کاظمی رضایی، ۱۳۹۹). در مجموع با توجه به آنچه اشاره شد می‌توان گفت که برخی از ویژگی‌ها و حالات روانی والدین مانند اضطراب و روابط موضوعی تأثیراتی بر اضطراب جدایی کودکان دبستانی دارند؛ اما در این میان کمتر مطالعه‌ای به بررسی رابطه این حالت‌های روانشناختی والدین بر سلامت روانی کودکان پرداخته است، بنابراین، با توجه به مطالب ذکر شده و این مسئله که لازم است به سلامت روانی - جسمانی این قشر بزرگ بیشتر توجه شود و گام‌های اساسی برای پیشگیری و درمان بیماری‌ها و اختلالات

نسبت به فرزندشان را هدایت می‌کند (مک کارتی و تیلورا، ۲۰۱۵). سبک فرزندپروری والدین با فرزندان، با فرآیند کیفیت روابط موضوعی^۲ فرزندان با دیگران در تعامل‌اند و ارتباط مثبت با یکدیگر دارد (وایت و وین^۳، ۲۰۱۵) و پژوهش‌ها، ارتباط نزدیکی بین سبک‌های فرزند پروری و کیفیت روابط موضوعی مادران را مطرح کرده‌اند و در واقع، سبک‌های فرزند پروری مادر تحت تأثیر کیفیت روابط موضوعی وی در دوران کودکی می‌باشد که خود بر سلامت روان فرزند وی اثر می‌گذارد. کیفیت روابط موضوعی سازه‌ای بنیادین است که نقش اساسی در تبیین سلامت، انواع ریخت‌های آسیب‌شناختی و حتی ساختارهای شخصیتی دارد. روابط موضوعی را می‌توان بازنمایی‌های فرد، از خود و دیگران و عواطف همراه با این بازنمایی‌ها یا به عبارتی ظرفیت افراد برای برقراری روابط انسانی تعریف کرد که در سال‌های نخست زندگی شکل می‌گیرد. احتمالاً این موضوع زمانی که فرزندان خانواده دچار نابهنجاری‌ها و اختلالات روانشناختی باشند بیشتر نمود پیدا می‌کند (میرصادقی، سهرابی، اسکندری، برجعلی و فرخی، ۱۳۹۶). معمولاً اولین موضوع برای هر شخص تصویر درونی سازی شده‌ی مادر اوست (آلپرت^۴، ۲۰۱۴). نظریه پردازان روابط موضوعی با تمرکز بر روابط اوایل زندگی و اثرات و بقایای دیرپای آن بر روان فرد به مثابه روابط موضوعی درونی، بر ادراکات فرد از خود و روابط او با افراد دیگر تاکید می‌کنند (ذراتی، برماس و ثابت، ۱۳۹۹). موضوع‌های درونی توسط الگوهای موجود در تجربه‌ی شخص از مراقبت شدن در دوران طفولیت شکل می‌گیرد که ممکن است بازنمایی دقیقی از مراقبت کنندگان حقیقی و بیرونی او باشد یا نباشد. اشیاء معمولاً تصاویر درونی سازی شده‌ی مادر، پدر یا مراقبت کنندگان شخص هستند؛ اما می‌توانند بخشی از یک شخص هم باشند (که به آن شیء جزئی گفته می‌شود)، مانند ارتباط نوزاد با اعضای از بدن مادر که نقش تغذیه کننده برای او دارند یا آنچه در دنیای درونی فرد وجود دارد (تصاویر درونی سازی شده‌ی فرد از

روانی و رفتاری آنان برداشته شود، همچنین به دلیل خلاء پژوهشی موجود، پژوهش حاضر به نقش اضطراب و روابط موضوعی مادران در پیش بینی اضطراب جدایی کودکان دبستانی پرداخته و به این سؤال اساسی پاسخ می‌دهد که آیا اضطراب و روابط موضوعی مادران می‌تواند اضطراب جدایی کودکان دبستانی را پیش بینی نمایند؟

روش کار

روش پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان پایه اول ابتدایی شهر قم در سال ۱۴۰۰ بود که تعداد آن‌ها بر اساس آمار اخذ شده از اداره آموزش و پرورش برابر با ۲۳۸۶۴ نفر بود. نمونه آماری شامل ۳۷۸ نفر از اعضای جامعه آماری مذکور بود که با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند.

معیارهای ورود شرکت کنندگان شامل داشتن انگیزه شرکت در پژوهش زندگی با هر دو والد، نداشتن مشکل جسمانی و روانی حاد و داشتن حداقل سواد خواندن و نوشتن (برای مادران) و معیارهای خروج شرکت کنندگان شامل انصراف از شرکت در پژوهش، مبتلا بودن به بیماری جسمانی خاص که مانع شرکت در پژوهش شود، عدم تکمیل مناسب پرسشنامه‌ها و تک سرپرست بودن بود.

ابزارهای به کار گرفته شده عبارت بودند از:

مقیاس سنجش اضطراب جدایی (نسخه والد و کودک):

این مقیاس توسط هان، هاجینلیان، ایسن، ویندر و پینکاس در سال ۲۰۰۳ ساخته شد. این مقیاس دارای دو فرم والد و کودک است که هر کدام با ۳۴ ماده، ابعاد خاص اضطراب جدایی دوران کودکی را بر اساس ملاک‌های تشخیصی متن تجدیدنظر شده چهارمین راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی اندازه‌گیری می‌کند. فرم والدین مقیاس سنجش اضطراب جدایی ابزاری ۳۴ ماده‌ای است که توسط پدر یا مادر تکمیل می‌شود. محدودیت زمانی برای پاسخ به مقیاس وجود ندارد. پاسخ دهندگان

فراوانی نشانه‌های اضطراب جدایی در هر یک از ماده‌های مقیاس را بر مبنای مقیاس ۴ درجه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۴ (همیشه) درجه بندی می‌کنند. چهار بعد اصلی این ابزار ترس از تنها ماندن، ترس از رهاشدن، ترس از بیماری جسمی و نگرانی درباره حوادث خطرناک است. علاوه بر این، مقیاس سنجش اضطراب جدایی دو زیرمقیاس پژوهشی فراوانی حوادث خطرناک و فهرست نشانه‌های امنیت را نیز دربر می‌گیرد. داده‌های اولیه از اعتبار، روایی و کاربرد بالینی این مقیاس حمایت می‌کنند (هان، هاجینلیان، ایسن، ویندر و پینکاس، ۲۰۰۳؛ طلایی نژاد، ۱۳۹۷)، در ایران در پژوهش مفرد، عبدالله و اوایا (۱۳۹۰)؛ به نقل از طلایی نژاد، ۱۳۹۷، ص ۳۴۳، ضرایب آلفای کرونباخ نسخه کودک این ابزار برای نمره کل و زیرمقیاس‌های ترس از تنها بودن، ترس از رهاشدن، ترس از بیماری جسمی و نگرانی درباره حوادث خطرناک به ترتیب برابر با ۰٫۹۴، ۰٫۹۳، ۰٫۹۰، ۰٫۸۲، ۰٫۸۳ به دست آمد. ویژگی‌های روان سنجی فرم والدین مقیاس سنجش اضطراب جدایی علاوه بر بررسی در فرهنگ‌های دیگر در ایران نیز آزمون و تایید شد.

پرسشنامه اضطراب بک: پرسشنامه اضطراب بک یک پرسشنامه خود گزارشی است که برای اندازه‌گیری شدت اضطراب در نوجوانان و بزرگسالان تهیه شده است. این پرسشنامه یک مقیاس ۲۱ ماده‌ای است که آزمودنی در هر ماده یکی از چهار گزینه که نشان دهنده شدت اضطراب است را انتخاب می‌کند. چهار گزینه هر سؤال در یک طیف چهار بخشی از ۰ تا ۳ نمره گذاری می‌شود. درجه اضطراب به ترتیب ۰ تا ۷ هیچ یا کمترین، ۸ تا ۱۵ خفیف، ۱۶ تا ۲۵ متوسط و ۲۶ تا ۶۳ شدید می‌باشد.

هر یک از ماده‌های آزمون یکی از علائم شایع اضطراب (علائم ذهنی، بدنی و هراس) را توصیف می‌کند. بنابراین نمره کل این پرسشنامه در دامنه‌ای از ۰ تا ۶۳ قرار می‌گیرد. بک و استر (۱۹۹۰) پرسشنامه اضطراب بک ۲ را معرفی کردند که به طور اختصاصی شدت علائم اضطراب بالینی را در افراد می‌سنجد. این پرسشنامه از اعتبار روایی بالایی برخوردار است. ضریب همسانی درونی آن ضریب آلفا ۰٫۹۲، اعتبار آن با روش بازآزمایی به فاصله یک هفته ۰٫۷۵ و همبستگی ماده‌های آن از

فارسی نیز ساختار چهارعاملی این مقیاس را نشان داد. از آنجا که ترکیب ماده‌های نسخه فارسی در برخی عوامل با نسخه انگلیسی متفاوت بود، نمره ای که به هر پاسخ (درست/ نادرست) در زیر هر عامل تعلق می‌گیرد، بر اساس نتایج تحلیل آماری (بار عاملی) و مبنای نظری (نظر متخصصان در مورد ارتباط هر ماده با محتوای فرض شده) بازنگری شد. بدین ترتیب برای نمره گذاری عامل‌ها به هر ماده در زیر هر عامل نمره‌ای بین صفر تا ۲ داده و سپس نمره ماده‌های مربوط به آن با هم جمع می‌شود (مسگریان و همکاران). در پژوهش مسگریان و همکاران (۱۳۹۶) روایی صوری و محتوایی، با استفاده از نظر کارشناسان و اساتید و روایی واگرا و همگرایان نیز با استفاده از آزمون تحلیل عاملی مورد سنجش و تأیید گرفت. برای محاسبه پایایی آن از آلفای کرونباخ استفاده گردید که پایایی آن برای زیر مقیاس‌های دلبستگی ناایمن، بیگانگی، بی‌کفایتی اجتماعی و خودمحوری به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۶۶، ۰/۷۴ و ۰/۷۷ گزارش شده است.

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه به روش همزمان) استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ انجام گرفت.

نتایج

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی انجام شد.

یافته‌های توصیفی پژوهش حاضر نشان می‌دهد ۳۷۸ نفر از مادران دانش آموزان پایه اول ابتدایی شهر قم در پژوهش حاضر شرکت کردند که سن ۴۷ نفر (۱۲/۵٪) از مادران در رده ۳۰-۲۵ سال، ۱۲۳ نفر (۳۲/۵٪) در رده ۳۵-۳۰ سال و ۲۰۸ نفر (۵۵٪) ۳۵ سال و به بالا قرار داشت و میزان تحصیلات اکثر مادران (۱۵۲ نفر) دیپلم بود. همچنین نتایج نشان داد ۶۲ نفر (۱۶/۴٪) از مادران شاغل و ۳۱۶ نفر (۸۳/۶٪) بیکار بودند.

در بررسی یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش نتایج نشان داد که:

۰/۳۰ تا ۰/۷۶، متغیر است. پنج روایی محتوا، همزمان، سازه، تشخیصی و عاملی برای این آزمون سنجیده شده است که همگی نشان دهنده کارایی بالای این ابزار در اندازه‌گیری شدت اضطراب می‌باشد. به منظور تعیین پایایی پرسشنامه‌ها در پژوهش امیدوی حسین آبادی و عباسی اسفنجیر (۱۳۹۴) برابر با ۰/۹۲ به دست آمده است که به دلیل آن که از ۰/۷۰ بالاتر است، پایایی آن مطلوب تلقی می‌شود.

مقیاس روابط موضوعی بل: این مقیاس، که از پرکاربردترین مقیاس‌ها در حوزه سنجش روابط موضوعی است، بر اساس پیوستار چندبعدی ارزیابی روابط موضوعی ساخته شده که بلک، هارویچ و گدیمین (۱۹۷۳) از طریق مصاحبه‌های بالینی با بیماران در مورد رابطه‌هایشان به دست آورده‌اند. مقیاس روابط موضوعی بل ۴۵ ماده با پاسخ دهی به صورت درست/ نادرست دارد که روابط موضوعی را در قالب چهار عامل دلبستگی ناایمن، بیگانگی، بی‌کفایتی اجتماعی و خودمیان بینی می‌سنجد (بل، ۱۹۹۵؛ به نقل از مسگریان و همکاران، ۱۳۹۶).

در تمام سوالات به جز سوالات (سوالات ۱، ۱۵، ۲۱، ۳۰، ۳۷، ۴۲) برای پاسخ‌های درست نمره ۱ و برای پاسخ نادرست نمره صفر منظور می‌شود.

در سوالات ۱، ۱۵، ۲۱، ۳۰، ۳۷، ۴۲ نمره گذاری معکوس اعمال می‌شود. پرسشنامه یک نمره کل ندارد. بلکه برای هر یک از ابعاد یا مولفه‌های خودمیان بینی، بیگانگی، دلبستگی ناایمن، و بی‌کفایتی اجتماعی آن نمره جداگانه ای محاسبه می‌شود. ضرایب اعتبار بازآزمایی چهار هفته‌ای زیرمقیاس‌های آن را ۰/۵۸ تا ۰/۹۰ و همسانی درونی آنها را ۰/۷۸ تا ۰/۹۰ گزارش کرده است. روایی این مقیاس نیز از طریق سنجش همبستگی آن با مقیاس‌های دیگر مانند مقیاس درجه بندی روانپزشکی مختصر و فهرست تجدیدنظر شده ۹۰ ماده‌ای نشانه‌های بیماری تأیید شده است. در ایران، در پژوهشی ویژگی‌های روانسنجی نسخه فارسی مقیاس روابط موضوعی بل، بعد از مراحل ترجمه - بازترجمه بررسی شد. نتایج تحلیل عاملی نسخه

جدول ۱. یافته‌های توصیفی متغیر اضطراب و زیرمقیاس‌های روابط موضوعی مادران و متغیر اضطراب جدایی کودکان

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
اضطراب	۱۰/۰۲	۴/۶۹۵	۲۳	۰
دل‌بستگی ناایمن	۵/۴۷	۲/۴۴۴	۱۱	۰
بیگانگی	۶/۵۳	۱/۸۵۴	۱۱	۱
بی‌کفایتی اجتماعی	۳/۱۱	۱/۸۸۷	۹	۰
خود میان بینی	۴/۸۶	۲/۸۰۹	۱۳	۰
اضطراب جدایی	۵۱/۸۱	۹/۹۴۳	۷۹	۳۴

جدول ۲. ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرها (n=۳۷۸)

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. اضطراب مادران	۱					
۲. دل‌بستگی ناایمن	۰/۱۸۴**	۱				
۳. بیگانگی	۰/۰۲۰	۰/۴۲۶**	۱			
۴. بی‌کفایتی اجتماعی	۰/۱۸۲**	۰/۳۴۷**	۰/۲۳۹**	۱		
۵. خود میان بینی	۰/۱۸۸**	۰/۴۰۴**	۰/۲۹۸**	۰/۴۰۱**	۱	
۶. اضطراب جدایی کودکان	۰/۱۶۵**	۰/۲۷۵**	۰/۲۳۹**	۰/۲۴۴**	۰/۲۶۰**	۱

** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

* همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

با اضطراب جدایی کودکان به ترتیب برابر با (۰/۲۳۹، ۰/۲۷۵)، (۰/۲۴۴ و ۰/۲۶۰) بدست آمده است. بنابراین بین دل‌بستگی ناایمن، بیگانگی، بی‌کفایتی اجتماعی و خود میان بینی با اضطراب جدایی کودکان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به منظور استفاده از آزمون رگرسیون چندگانه پیش فرض آن مورد بررسی قرار گرفت برای نرمال بودن متغیرها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف (k-s) استفاده شد نتایج در جدول ۳ ارائه شده است.

در جدول ۲، مقدار ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش (اضطراب مادران، دل‌بستگی ناایمن، بیگانگی، بی‌کفایتی اجتماعی، خود میان بینی و اضطراب جدایی کودکان) ارائه شده است. مقدار ضریب همبستگی پیرسون بین اضطراب مادران با اضطراب جدایی کودکان برابر با (۰/۱۶۵) بدست آمده است. بنابراین بین اضطراب مادران با اضطراب جدایی کودکان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی پیرسون بین دل‌بستگی ناایمن، بیگانگی، بی‌کفایتی اجتماعی و خود میان بینی

جدول ۳. آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای مفروضه نرمال بودن متغیرها

متغیرها	آماره کولموگروف اسمیرنوف	سطح معناداری
اضطراب مادران	۱/۱۶۷	۰/۱۳۲
دل‌بستگی ناایمن	۱/۲۴۶	۰/۰۹۰
بیگانگی	۱/۲۶۶	۰/۰۸۱

بی کفایتی اجتماعی	۱/۳۳۰	۰/۰۵۸
خود میان بینی	۱/۳۰۵	۰/۰۶۶
اضطراب جدایی کودکان	۱/۲۹۲	۰/۰۷۱

از تحلیل رگرسیون چندگانه جهت بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش بلامانع است. نتایج بررسی فرضیه پژوهش مبنی بر این که اضطراب و روابط موضوعی مادران می‌تواند اضطراب جدایی کودکان دبستانی را پیش بینی نمایند، در جداول زیر ارائه شده است.

طبق جدول ۳، مقدار سطح معناداری متغیرهای پژوهش (اضطراب مادران، دل‌بستگی نایمن، بیگانگی، بی کفایتی اجتماعی، خود میان بینی و اضطراب جدایی کودکان) بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین نتیجه می‌گیریم توزیع نمرات متغیرهای پژوهش نرمال است. سایر پیش فرض ها هم بررسی و نشان داده شد که استفاده

جدول ۴. خلاصه مدل رگرسیون چندگانه اضطراب و زیرمقیاس‌های روابط موضوعی مادران در پیش‌بینی اضطراب جدایی کودکان

شاخص‌های آماری	ضریب همبستگی	مجذور ضریب	ضریب همبستگی	دوربین
متغیرهای وارد شده	چند گانه	همبستگی	اصلاح شده	واتسون
اضطراب	۰/۳۶۸	۰/۱۳۶	۰/۱۲۴	۱/۸۹۲
زیرمقیاس‌های روابط موضوعی				

چند گانه می‌باشند که مقدار ضریب همبستگی برابر با ۰/۳۶۸ است. با توجه به مقدار مجذور ضریب همبستگی (۰/۱۳۶) حدود ۱۳/۶ درصد واریانس اضطراب جدایی کودکان توسط اضطراب مادران و زیرمقیاس‌های روابط موضوعی مادران (دل‌بستگی نایمن، بیگانگی، بی کفایتی اجتماعی و خود میان بینی) پیش بینی می‌شود.

به منظور بررسی فرضیه پژوهش از روش رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده شد. طبق جدول (۴) مشاهده می‌شود، آماره دوربین واتسون ۱/۸۹۲ بدست آمده است. چون مقدار آن به ۲ نزدیک می‌باشد، لذا مشکل خود همبستگی وجود ندارد. در تحلیل رگرسیون، اضطراب مادران و زیرمقیاس‌های روابط موضوعی مادران (دل‌بستگی نایمن، بیگانگی، بی کفایتی اجتماعی و خود میان بینی) با اضطراب جدایی کودکان دارای همبستگی

جدول ۵. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه اضطراب و زیرمقیاس‌های روابط موضوعی مادران در پیش‌بینی اضطراب جدایی کودکان

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F آماره	سطح معناداری
رگرسیون	۵۰۵۱/۳۷۷	۵	۱۰۱۰/۲۷۵	۱۱/۶۶۴	۰/۰۰۱
باقیمانده	۳۲۲۲۱/۶۶۱	۳۷۲	۸۶/۶۱۷	-	-
کل	۳۲۲۷۳/۰۳۷	۳۷۷	-	-	-

طبق جدول ۵، تحلیل واریانس، اعتبار رگرسیون چندگانه را در پیش بینی اضطراب جدایی کودکان ($p < 0/05$ و $F = 11/664$) تأیید می‌کند.

جدول ۶. ضرایب رگرسیون اضطراب و زیرمقیاس‌های روابط موضوعی مادران در پیش‌بینی اضطراب جدایی کودکان

متغیر	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		شاخص‌های آماری
	ضریب رگرسیونی	خطای معیار	بتا	t	
مقدار ثابت	۳۸/۸۹۰	۲/۰۳۲	-	۱۹/۱۳۹	۰/۰۰۱
اضطراب مادران	۰/۲۱۱	۰/۱۰۶	۰/۱۰۰	۲/۰۰۱	۰/۰۴۶
دل‌بستگی نایمن	۰/۴۸۹	۰/۲۳۵	۰/۱۲۰	۲/۰۸۴	۰/۰۳۸
بیگانگی	۰/۶۷۶	۰/۲۹۱	۰/۱۲۶	۲/۳۲۵	۰/۰۲۱
بی‌کفایتی اجتماعی	۰/۵۷۶	۰/۲۸۶	۰/۱۰۹	۲/۰۱۲	۰/۰۴۵
خود میان‌بینی	۰/۳۹۵	۰/۱۹۸	۰/۱۱۲	۱/۹۹۱	۰/۰۴۷

طبق جدول (۶)، اضطراب مادران با ضریب رگرسیونی برابر با (۰/۲۱۱) رابطه مثبت و معناداری با اضطراب جدایی کودکان دارد ($p < ۰/۰۵$). دل‌بستگی نایمن، بیگانگی، بی‌کفایتی اجتماعی و خود میان‌بینی با ضریب رگرسیونی به ترتیب برابر با (۰/۴۸۹)، (۰/۶۷۶)، (۰/۵۷۶) و (۰/۳۹۵) رابطه مثبت و معناداری با اضطراب جدایی کودکان دارند ($p < ۰/۰۵$).

طبق معادله رگرسیون، به ازای هر واحد که به اضطراب مادران افزوده می‌شود به میزان (۰/۲۱۱) اضطراب جدایی کودکان افزایش می‌یابد. به ازای هر واحد که به دل‌بستگی نایمن، بیگانگی، بی‌کفایتی اجتماعی و خود میان‌بینی افزوده می‌شود به ترتیب به میزان (۰/۴۸۹)، (۰/۶۷۶)، (۰/۵۷۶) و (۰/۳۹۵) اضطراب جدایی کودکان افزایش می‌یابد. از بین متغیرهای پژوهش، بیگانگی ($\beta = ۰/۱۲۶$) در پیش‌بینی اضطراب جدایی کودکان در رتبه اول قرار دارد. بنابراین فرضیه فوق پذیرفته شده و نتیجه گرفته می‌شود که اضطراب و روابط موضوعی مادران (دل‌بستگی نایمن، بیگانگی، بی‌کفایتی اجتماعی و خود میان‌بینی) می‌تواند اضطراب جدایی کودکان دبستانی را پیش‌بینی نماید.

بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی نقش اضطراب و روابط موضوعی مادران در پیش‌بینی اضطراب جدایی کودکان دبستانی بود. نتایج نشان داد که حدود ۱۳/۶ درصد واریانس اضطراب

جدایی کودکان توسط اضطراب مادران و زیرمقیاس‌های روابط موضوعی مادران (دل‌بستگی نایمن، بیگانگی، بی‌کفایتی اجتماعی و خود میان‌بینی) پیش‌بینی می‌شود. اضطراب مادران رابطه مثبت و معناداری با اضطراب جدایی کودکان دارد. دل‌بستگی نایمن، بیگانگی، بی‌کفایتی اجتماعی و خود میان‌بینی رابطه مثبت و معناداری با اضطراب جدایی کودکان دارند. از بین متغیرهای پژوهش، بیگانگی در پیش‌بینی اضطراب جدایی کودکان در رتبه اول قرار دارد. بنابراین فرضیه فوق پذیرفته شد و بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که اضطراب و روابط موضوعی مادران (دل‌بستگی نایمن، بیگانگی، بی‌کفایتی اجتماعی و خود میان‌بینی) می‌تواند اضطراب جدایی کودکان دبستانی را پیش‌بینی نمایند. در تبیین یافته فوق می‌توان گفت باورها و حالات روانی مادر و اختلالات رفتاری و هیجانی کودکان یک رابطه دو سویه دارند، بدین صورت که باورهای مادر موجب بروز چرخه معیوب در روابط والد-کودک شده که خود را در قالب سبک‌های فرزندپروری نشان می‌دهد و از سوی دیگر رفتارهای فرزندان موجب می‌شود که مادر در راستای باورهای خود واکنش نشان دهد و این چرخه مدام به واسطه رفتارهای مادر-کودک تکرار می‌شود، بنابراین وجود اضطراب در مادر از طریق تأثیری که بر رفتارها، عواطف، تفکر، سلامت جسمانی و روابط اجتماعی مادر با دیگران از جمله فرزندان می‌گذارد، قابل تأمل و بررسی است. مادرانی که

احساس اضطراب شدید و مداوم دارند، دنیا را به عنوان مکانی خطرناک و غیرقابل اعتماد درک می کنند. آنان در نوعی احساس عدم اعتماد به دیگران، احساس تنش، فشار عصبی، تعارض دائمی، احساس عدم کنترل بر محیط و حوادث آن، انتظار دائمی خطر و گوش به زنگ بودن به سر می برند. این اضطراب نوعی دل مشغولی و درگیری درونی برای مادر ایجاد می کند، در نتیجه حساسیت مادر به دنیای بیرونی از جمله فرزندان کاهش می یابد که خود منجر به احساس طردشدگی از طرف فرزندان می شود. همچنین اضطراب از طریق ایجاد محیط عاطفی- تربیتی ناسالم، روابط تعاملی نابهنجار بین مادر- فرزند و کاهش حساسیت مادری از مادر به فرزند منتقل شده و او را در معرض خطر انواع مشکلات روانشناختی و رفتاری قرار می دهد. از طرف دیگر وجود هم‌ابتلائی بین مادر و فرزند به اختلالات خاص می تواند ناشی از وجود آمادگی ژنتیکی و نوع تعامل مادر- فرزند نیز باشد، همچنین در نظریه روابط موضوعی یا روابط ابژه که بر روابط کودک با دیگران متمرکز است به این مسئله اشاره شده است که اگر کودک مراحل رشد خود را با موفقیت و بدون آسیب های روانشناختی پشت سر گذاشته باشد، می تواند با دیگر انسان ها ارتباط کامل برقرار کند. بنابراین بر اساس این نظریه، مهارت های ارتباطی مادران به شدت در روابط اولیه آنان با والدین خود به خصوص مادر، ریشه دارد. پس می توان گفت که اگر مادران در روابط موضوعی خود با والدین دچار مشکل باشند و دلبستگی ایمن در آنان شکل نگرفته باشد، این مسئله از طریق عدم مهارت برقراری روابط پایدار در مادران می تواند بر شکل دهی رابطه والد- کودک به صورت دلبستگی ایمن در کودک نشان تاثیر گذار باشد و کودکان را دچار سردرگمی در نحوه برقراری ارتباط با مادر نموده و منجر به شکل گیری اضطراب جدایی در کودک گردد، بنابراین می توان گفت که اضطراب و روابط موضوعی مادران می توانند اضطراب جدایی کودکان دبستانی را پیش بینی نمایند.

در پژوهشی که مروتی (۱۴۰۰) انجام داد به سنجش تاثیر سبک های دلبستگی بر اضطراب جدایی در دانش آموزان پایه اول ناحیه یک شهر سنندج پرداخت. یافته های پژوهش نشان داد که بین سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و سبک دلبستگی نایمن

اضطرابی دوسوگرا با اضطراب جدایی دانش آموزان رابطه مثبت و معنادار وجود دارند. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که سبک دلبستگی نایمن اضطرابی دوسوگرا به صورت مثبت و سبک دلبستگی ایمن به صورت منفی و در مجموع ۱۶ درصد تغییرات اضطراب جدایی دانش آموزان را پیش بینی می کنند که با یافته فوق همسو می باشد. در تحقیقی دیگر که پیرزاده (۱۳۹۹) به پیش بینی اضطراب جدایی بر اساس سبک های دلبستگی در کودکان پایه اول ابتدایی شهر اهواز پرداخت. یافته های پژوهش نشان داد که سبک های دلبستگی نایمن اجتنابی، دوسوگرا و آشفته با اضطراب جدایی کودکان رابطه معنی دار دارند که با یافته فوق همسو می باشد. در تحقیق دیگری که توسط میرصادقی و همکاران (۱۳۹۷) صورت گرفت و به مقایسه سبک های فرزند پروری و کیفیت روابط موضوعی در مادران دارای کودکان با اختلال اضطراب جدایی و عادی پرداختند. نتایج نشان داد که وجود سبک های فرزند پروری و کیفیت روابط موضوعی مادران کودکان با اختلال اضطراب جدایی می تواند زمینه ساز این اختلال باشد که با یافته فوق همسو می باشد. پژوهش دیگری با عنوان «بررسی رابطه بین سبک های دلبستگی مادران شاغل و غیر شاغل با اختلال اضطراب کودکان پایه اول ابتدایی شهر اقلید» که توسط مسعودی و همکاران (۱۳۹۶) انجام شد نتایج تحلیل رگرسیون دو طرفه نشان داد که بین میزان اضطراب جدایی کودکان دارای مادران شاغل و غیر شاغل تفاوت معنادار وجود دارد و اثر اصلی سبک دلبستگی ایمن و اثر اصلی سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا معنی دار است که با یافته فوق همسو می باشد. پژوهشی دیگر توسط رایگانی و همکاران (۱۳۹۶) با عنوان «بررسی نقش بهزیستی روانشناختی و اجتماعی والدین در پیش بینی اضطراب جدایی کودکان» انجام شد. یافته ها نشان داد اضطراب جدایی کودکان همبستگی منفی و معناداری با بهزیستی روانشناختی و اجتماعی والدین دارد که با یافته فوق همسو می باشد. پژوهشی که توسط ماگ و همکاران (۲۰۲۱) صورت گرفت به این موضوع پرداختند که آیا رفتارهای والدینی مادر به طور غیرمستقیم به ترس بی نظم کودک نوپا و علائم اضطراب جدایی کودک مرتبط می شود؟. نتایج نشان داد که اضطراب به طور قابل توجهی اضطراب جدایی کودک را از

طریق واکنش های ناگهانی بیشتر مادر و فراتر از واکنش های محافظتی و آرامش بخش، پیش بینی می کند که با یافته فوق همسو می باشد. ویز و لیانگ (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی ارتباط علائم افسردگی مادر، فقر و وضعیت دوران جوانی مادر با احتمال ابتلا به اختلالات افسردگی و اضطراب در کودکان پرداختند. نتایج نشان داد علائم افسردگی مادر احتمال ابتلای کودکان به اضطراب و افسردگی را افزایش می دهد که با یافته فوق همسو می باشد. در مطالعه ای دیگر آستوتی و همکاران (۲۰۲۰) به تأثیر دل بستگی والدین بر اضطراب جدایی کودکان در اوایل کودکی پرداختند. نتایج نشان می دهد که دل بستگی زیاد والدین باعث کاهش اضطراب جدایی کودکان در مدارس می شود. این صمیمیت کودک و والدین از کیفیت اجتماعی سازگار در گروه همسالان پشتیبانی می کند. همچنین زمینه ای مثبت برای پیشرفت بیشتر آنها فراهم می نماید که با یافته فوق همسو می باشد. اورگیلز و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی به اضطراب مادر و اضطراب جدایی در کودکان بین ۳ تا ۶ سال: نقش واسطه ای روش والدین پرداختند. نتایج نشان داد که سبک والدین بیش از حد محافظ کارانه واسطه ای مهم در رابطه بین اضطراب صفت مادر و اضطراب جدایی کودک است. علاوه بر این، مادرانی که نمرات اضطراب صفت بالاتری دارند، احتمال استفاده از شیوه فرزندپروری بیش از حد محافظه کارانه، تنبیه کننده یا کم قاطعانه را نشان می دهند که با یافته فوق همسو می باشد. استان و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به روابط اضطراب جدایی والدین و کودک: نقش کنترل روانشناختی وابستگی مدار پرداختند.

منابع

نتایج نشان داد اضطراب جدایی مادران با اضطراب جدایی در کودکان در ارتباط مثبت است که با یافته فوق همسو می باشد. از آنجا که نتایج نشان داد اضطراب و روابط موضوعی مادران می تواند اضطراب جدایی کودکان دبستانی را پیش بینی نمایند و از آن جایی که سلامت روانشناختی مادر می تواند نقش به سزایی در سلامت و بهزیستی روانی کودکان داشته باشد، به نظر می رسد که با آگاهی دادن به والدین در مورد نقش این عوامل و پیامدهای بالقوه آن در زندگی آینده فرزندان از طریق جلسات مشاوره مدرسه و تدوین برنامه های مداخله ای برای آموزش خانواده های در معرض خطر، می توان گام مهمی در افزایش سلامت روانی کودکان و همچنین مادران آنها برداشت.

تقدیر و تشکر

"این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول در واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران می باشد." و

دارای کد اخلاق به شناسه

IR.IAU.NAJAFABAD.REC.1401.077 از کمیته اخلاق

در پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد می باشد.

در پایان از تمامی شرکت کنندگان در این پژوهش کمال تشکر

و قدردانی را داریم.

تعارض در منافع

نویسندگان اظهار می دارند هیچ گونه تعارض منافی در

مورد این مقاله وجود ندارد.

احمدی فرشاد، سرافراز مهدی رضا، کاظمی رضایی علی. (۱۳۹۹). نقش تشخیصی روابط موضوعی و مکانیزم های دفاعی در افراد مبتلا به مصرف مواد افیون، مواد محرک و بهنجار. فصلنامه علمی اعتیادپژوهی ۱۴(۵۵): ۱۶۹ - ۱۹۲.

امیدی حسین آبادی حمیده، عباسی اسفجیر علی اصغر. (۱۳۹۴). رابطه نوبت کاری شب با میزان افسردگی و اضطراب پرستاران. فصلنامه مدیریت پرستاری ۴(۲): ۳۸ - ۲۹.

پیرزاده فاطمه. (۱۳۹۹). پیش بینی اضطراب جدایی بر اساس سبک های دل بستگی در کودکان پایه اول ابتدایی. اولین کنفرانس ملی پژوهش های کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت. ۱-۱۰.

ذراتی ایران، برماس حامد، ثابت مهرداد. (۱۳۹۹). همبستگی ترومای کودکی و ایده پردازی خودکشی با میانجیگری درد روانی و روابط موضوعی. فصلنامه مدیریت ارتقای سلامت. ۳۴(۳): ۴۸ - ۴۸.

- رایگانی فاطمه سادات، تک آبادی آرانی زهرا، داوری زهرا، شاکری سارا، معتمدی فرد مهشاد، گلی زهرا سادات. (۱۳۹۶). بهزیستی روانشناختی و اجتماعی والدین پیش بینی کننده‌ی اضطراب جدایی کودکان. اولین کنگره انجمن روانشناسی ایران .
- شفق دوست مریم، شهابت ده سرخ فاطمه. (۱۳۹۸). نقش میانجی روابط موضوعی و کارکردهای ایگو در رابطه بین عملکرد خانواده و سلامت روان دانشجویان. پژوهش در سلامت روانشناختی . ۱۳(۳): ۳۱ - ۴۶.
- طلایی نژاد نعیمه، مظاهری محمدعلی، قنبری سعید، عسگری علی. (۱۳۹۵). ویژگی های مقدماتی مقیاس سنجش اضطراب جدایی (فرم والدین)، فصلنامه تحولی روانشناسی ۱۲(۴۷): ۲۳۵ - ۲۲۵.
- عرب سارا، علیمردانی سروش، کشیری دینکی پریسا، معافی منانه . (۱۳۹۸). نقش عملکرد خانواده بر راهبردهای مقابله‌ای در کودکان مبتلا به اضطراب جدایی. پنجمین کنفرانس بین المللی پژوهش در روانشناسی، مشاوره و علوم تربیتی . ۱-۹.
- مروتی ندا. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر سبک‌های سه گانه دلبستگی بر اضطراب جدایی در دانش آموزان پایه اول ابتدایی (مطالعه موردی: ناحیه یک سنندج). دهمین کنفرانس بین المللی روانشناسی، مشاوره و علوم تربیتی. ۱-۸.
- مسعودی مجید، فلاحی ویدا، باباخانی ملیحه. (۱۳۹۶). بررسی رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی مادران شاغل و غیر شاغل با اختلال اضطراب جدایی کودکان پایه اول ابتدایی. سومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران.
- مسگریان فاطمه، آزادفلاح پرویز، فراهانی حجت‌اله، قربانی نیما(۱۳۹۶). ویژگی‌های روانسنجی نسخه فارسی مقیاس روابط موضوعی بل. روانشناسی بالینی و شخصیت-دانشور رفتار سابق ۱۵(۲): ۱۹۳-۲۰۴.
- میرصادقی سودابه، سهرابی فرامرز، اسکندری حسین، برجعلی احمد، فرخی نورعلی. (۱۳۹۶). تدوین مدل ساختاری شیوه‌های فرزندپروری مادران بر اساس سبک‌های دلبستگی و کیفیت روابط موضوعی آنان در میان مادران با فرزندان عادی و مبتلا به اختلال‌های اضطراب جدایی و وسواس-اجبار. فرهنگ مشاوره و درمانی (فرهنگ مشاوره). ۸(۳۰): ۱۳۱-۱۹۴.
- یگانه دارابی رقیه، حافظیان مریم. (۱۳۹۷). بررسی رابطه هوش هیجانی، تاب آوری و مثبت اندیشی مادران با اضطراب جدایی کودکان پیش دبستانی. فصلنامه علمی-پژوهشی خانواده و پژوهش. ۱۵(۲): ۴۵-۶۶.
- A' diilah, N. & Somantri, I. Efektifitas Terapi Mendongeng terhadap Kecemasan Anak Usia Toddler dan Prasekolah Saat Tindakan Keperawatan. Jurnal Keperawatan Padjajaran (JKP) 2016. 4 (3): 248-254.
- Abel KM, Hope H, Swift E, Parisi R, Ashcroft DM, Kosidou K, Osam CS, Dalman C, Pierce M. Prevalence of maternal mental illness among children and adolescents in the UK between 2005 and 2017: a national retrospective cohort analysis. Lancet Public Health 2019, 4(6):e291-300.
- Alpert J. Object Relations Theory. Am J Psychiatry 2014, 147(7):961--962.
- Astuti, U., Hartono, H., & Sunawan, S. The Influence of Parental Attachment toward Early Childhood Children's Separation Anxiety. Journal of Primary Education 2020, 9(5), 501-510.
- Beck, A.T., Steer, R.A. Beck Anxiety Inventory Manual. San Anto: Psychological Corporation 1990.
- Bellak, L., Hurvich, M., & Gediman, H. Ch. 5: General considerations and rationale for the selection of the 12 ego functions. In Ego functions in schizophrenics, neurotics, and normal 1973 ,pp. 74-79.
- Grazzani, I, Ornaghi, V., & Crugnola, C. R. Emotion comprehension and attachment: A conversational intervention with school-aged children. European Review of Applied Psychology / Revue Européenne de Psychologie Appliquée 2015, 65(6): pp 267-274.
- Hahn, L., Hajinlian, J., Eisen, A. R., Winder, B., & Pincus, D. B. Measuring the dimentions of separation anxiety and early panic in children and adolescents: The Separation Anxiety Assessment Scale. Paper presented at the 37th annual convention of the Association for Advancement of Behavior Therapy, Boston 2003.
- Hu, Y. Cai, Y. Tu, D. Guo, Y & Liu, S. Development of a Computerized Adaptive Test for Separation Anxiety Disorder Among Adolescents .Frontiers In Psychology 2020, Vol.11: pp 1-11.
- Lim, HJ & Boon, BH. A Study on the Experience of Changes through Participation in the Parent Education Program for the Mothers of Play Therapy Child Clients.: Focusing on Winnicott's Object Relation Theory. Journal koaj 2019, Vol.25(1), p 637-659.
- Mabilia, D. Di Riso, D. Lis, A & Bobbio, A. A Prediction Model for Separation Anxiety: The Role of Attachment Styles and Internalizing Symptoms in Italian Young Adults .Journal of Adult Development 2019, Vol.26(4), pp.286-294.
- Magee CA, Heaven PC, Miller LM. Personality change predicts self- reported mental and physical health. J Pers 2013, 81(3): 324-334.

- Martina M. Dis-chronic Experience of No-thing: Existential Analysis of Freud's and Heidegger's Concept of Anxiety. *Eidos. A Journal for Philosophy of Culture* 2020, Vol.4(2), pp.52-69.
- McCarthy,P & Taylor, K. Child- parent relationship therapy for adoptive families. *Fam j* 2015, 20 (4):419-426.
- Orgilés, P., M. Penosa, P., P. Morales, P., A. Fernández-Martínez, P., I & Espada, P., J. Maternal Anxiety and Separation Anxiety in Children Aged Between 3 and 6 Years: The Mediating Role of Parenting Style .*Journal of Developmental & Behavioral Pediatrics* 2018, Vol. 39(8), pp.621-628.
- Racine, N. Devereaux, C. Cooke, JE. Eirich, R. Zhu, J & Madigan, S. Adverse childhood experiences and maternal anxiety and depression: a meta-analysis. *BMC psychiatry* 2021, Vol.21 (1), p.1-10.
- Rinkinen J, Jalas M & Shove E. Object Relations in Accounts of Everyday Life. *Sociology* 2015, 49(5):870–85.
- Szekely E, Neumann A, Sallis H, Jolicoeur-Martineau A, Verhulst FC, Meaney MJ, Pearson RM, Levitan RD, Kennedy JL, Lydon JE, et al. Maternal prenatal mood, pregnancy-specific worries, and early child psychopathology: findings from the DREAM BIG consortium. *J Am Acad Child Adolesc Psychiatry* 2021, 60(1):186-197.
- Wayt, E.; Wein, J. A. Socialization in the context of the family:Parent-child interaction. In *handbook of child psychology. Vol 4. Socialization, personality, and social development*, Hetherington EM (ed) 2015, 1-110.
- Weiss, SJ & Leung, C. Maternal depressive symptoms, poverty, and young motherhood increase the odds of early depressive and anxiety disorders for children born prematurely. *Infant mental health journal* 2021, Vol.42 (4), p.586-602.

Original Article

The role of mothers' anxiety and thematic relationships in predicting the separation anxiety of elementary school children

Received: 31/05/2024 - Accepted: 23/06/2024

Samaneh abbasi¹
Azam zare^{2*}

¹M.A. Clinical Psychology, Department of Psychology, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.

²Assistant Professor, Department of Psychology, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran. (Corresponding author)

Corresponding author: Azam zare, Assistant Professor, Department of Psychology, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.

Email: z.zare33@yahoo.com

Abstract

Background: Separation anxiety disorder is one of the most common mental disorders among children and adolescents, and therefore, considering the prevalence of this disorder in children and its harmful effects on children's growth and performance and preventing its continuation and treatment, research in the field of children and identification of factors Effective on it is very important. The purpose of this research was to investigate the role of mothers' anxiety and thematic relationships in predicting the separation anxiety of elementary school children.

Materials and Methods: The research method was descriptive-correlation. The statistical population included all the first grade students of Qom city in 1400, whose number was 23,864 according to the statistics obtained from the Department of Education. The statistical sample consisted of 378 members of the mentioned statistical population who were selected using Cochran's formula and multi-stage cluster sampling method. The instruments used included the Separation Anxiety Scale (Parent and Child Version) by Han et al. (2003), Beck's Anxiety Questionnaire (1990), and Bell's Thematic Relationship Scale (1995). Descriptive statistics and inferential statistics (Pearson's correlation coefficient and multiple regression at the same time) were used to analyze the data. Data analysis was done using SPSS version 26 software.

Results: The results showed that about 13.6% of the variance of children's separation anxiety is predicted by mothers' anxiety and the subscales of mothers' thematic relationships (insecure attachment, alienation, social incompetence and self-centeredness). Mothers' anxiety has a positive and significant relationship with children's separation anxiety. Insecure attachment, alienation, social incompetence and self-interference have a positive and significant relationship with children's separation anxiety. Among the research variables, alienation ranks first in predicting children's separation anxiety.

Conclusion: The results of this research emphasized the importance of paying attention to the role of mothers' anxiety and thematic relationships in evaluating the condition of children, especially in clinical situations, and the necessity of designing and using a therapeutic profile by child clinical specialists.

Keywords: Anxiety, Subject relations, Separation anxiety, Mothers, Elementary school children.

Acknowledgement: There is no conflict of interest